

جلال آباد



بوی خون می آرد اکنون از جلال آباد باد
جوی خون جاری و هر جا کشته ها بینی فتاد

مرد وزن پیر و جوان آغشته اندر خون و خاک
سر جدا گوید تو را و تن جدا: ای وای داد

هر يك از اندام خونین را نگر در هر طرف
خون چكد از دل چو آه سرد آید از نهاد

طفل در گهواره را بین در شمار کشتگان
وای ازان ظلمی که رفته بر سر این قوم راد

خالی از اطفال گهواره به هر سو بنگری
کاش این اطفال گویی هرگز از مادر نژاد

كودك از مادر و مادر را ز كودك نى خير
شوهر از همسر و همسر را ز شوهر نيست ياد

طفل زخمى نشنود للوى مادر پس از اين
مادر در خون تيپده شد شهيد و نا مراد

اين چه اسلام است ايشان را كه شد عرضه به خلق
آن " جماع دسته جمعى " بين كه هر كس گاد گاد

نى ترحم بر مسلمان و نى كافر نى هنود
جز يهود آن دشمن اسلام بنيانش نهاد

قتل عام مردم مظلوم در آيين شان
مى كشد اولاد آدم هر چه بادا باد باد

آن اجير صهيو نيزم بوبكر بغدادى بشد
رهبر اين فرقه نا پاك، آن شياذ زاد

پول مى گيرد ز انگريز و ز امريك و يهود
تا بريزد خون مسلم را ز هر قوم و نژاد

اين جناياتى كه بر ما رفته مسؤلش بگو
گويمت فرقه گرايى و نفاق نى اتحاد

ظلم بى حد مى رود بر ما مسلمانان خدا
رهبران مسلمين در هر كجا بر باد باد

پايان